

بسیج و مقابله با شورشهای داخلی

نویسنده: محمود عسگری^۱

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۲۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۵/۲۸

فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۸۸

چکیده

رسیدن به شرایط امن در گرو جلوگیری از بروز و ظهور چالشهای امنیتی است. شورش به عنوان نشانه‌ای از وجود نارضایتی، یکی از چالشهای امنیتی هر نظامی محسوب می‌شود. بدیهی است کشورها ابتدا باید مانع از وقوع شورشها شوند و در وهله بعد، توان مقابله با آنها را داشته باشند.

جمهوری اسلامی ایران که نظامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و بین مردم و نظام، پیوندی ناگسستنی وجود دارد، بیشترین تلاش خود را معطوف به جلوگیری از شکل‌گیری ریشه‌های شورشگری کرده است، ولی آینده‌نگری از یک سو و تلاشهای توطئه‌گرایانه بیگانگان و منافقان از سوی دیگر، حکم می‌کند که با استفاده از ظرفیتهای موجود، آمادگی‌های لازم را برای مقابله با شرایط بروز احتمالی شورش نیز به دست آورد، بسیج به عنوان یادگار دوران‌دیشانه بنیانگذار جمهوری اسلامی، از جمله ظرفیتهای پایان‌ناپذیر نظام تلقی می‌شود که در این مقاله تلاش خواهد شد پس از طرح مباحثی نظری درباره شورشگری، راهکارهایی برای استفاده از این نیرو جهت مقابله با شورش، ارائه شود.

واژگان کلیدی:

شورش، نارضایتی، بسیج، ضد شورشگری، رشد شهرنشینی، ایران.

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

مقدمه

شورش از جمله پدیده‌هایی است که همواره اغلب جوامع بشری در برخی شرایط مشخص، با آن مواجه بوده‌اند. به عبارت دقیق‌تر؛ از دوران برده‌داری تاکنون، شورش و مقابله با آن از دغدغه‌های عمده حاکمان بوده است (علی‌بابایی، ۱۳۶۸، ص ۵۸۶-۵۷۷). بیشتر شورشها از نارضایتی‌ها نشئت گرفته، هنگامی که فرصتی ایجاد شود، بروز می‌یابند. در واقع؛ شورشها زمانی رخ می‌دهند که حکومت نتواند پاسخ مناسبی به تقاضای گروههای عمده جامعه ارائه دهد. از این رو، شورش به واسطه ضعف حکومت در دو بُعد کلی بروز می‌یابد:

بُعد ایجابی: ارائه برون‌دادهایی بهنگام، هم‌سنگ و هم‌شان درون‌دادها؛
بُعد سلبی: برخورداری از توان مقابله مؤثر با شورشگران.

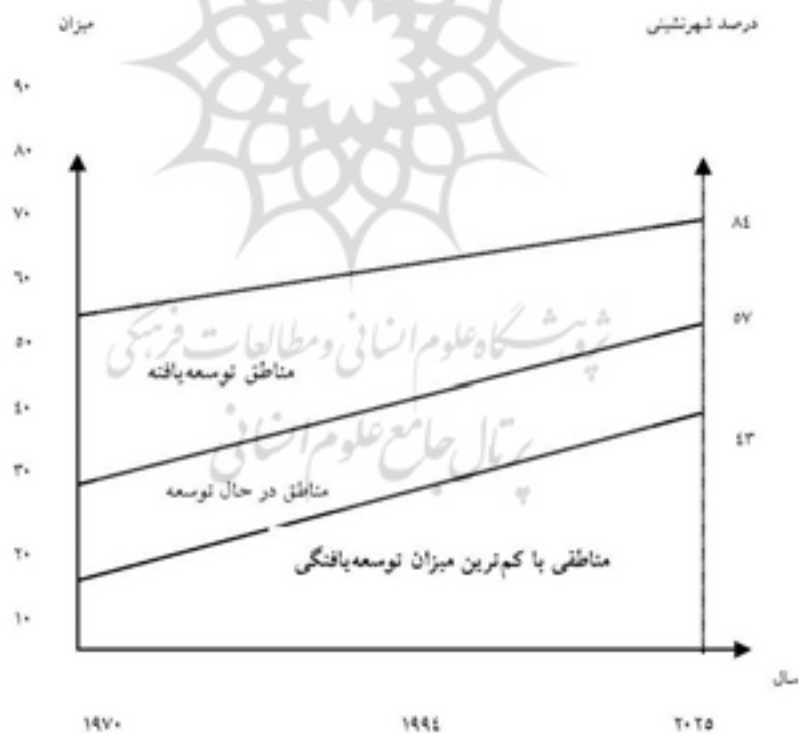
جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری جوان که به شهادت تحولات سه دهه گذشته، همواره در معرض توطئه‌های بیگانگان دشمن انقلاب و خائنان بوده، از ابتدای پیروزی انقلاب با شورشهایی مواجه بوده است. شورشهای سیستان و بلوچستان، کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا در اوایل انقلاب، بسیار چالش‌برانگیز بودند (صالحی‌امیری، ۱۳۸۵) ولی با تدبیر مناسب و اجرای کارآمد برنامه‌ها، مهار شدند. پس از این شورشها، مهم‌ترین شورش کشور، شورش ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بود که با تلاشهای نیروهای انتظامی و حضور به موقع بسیجیان و مشارکت آحاد مردم، مهار شد.

به جرئت می‌توان ادعا کرد بسیج به عنوان نهادی برخاسته از متن و بطن ملت ایران، می‌تواند نقش بی‌بدیلی را در مقابله با شورشها ایفا کند و از چنان ظرفیتی برخوردار است که در آینده نیز قادر خواهد بود در کنار سایر نیروها با شورشهای گوناگون، مقابله نماید. نگارنده در این نوشتار تلاش خواهد کرد افزون بر ارائه تعریفی از شورش، این پدیده را با استفاده از تئوری یکی از صاحب‌نظران مباحث شورشگری تبیین کند. همچنین به مباحثی اشاره خواهد شد که با کاربردی آنها، نیروهای بسیجی می‌توانند شورشها را مهار و کنترل کنند.

۱. اهمیت و ضرورت موضوع شورشگری

به منظور روشن شدن اهمیت موضوع، این پرسش را باید مطرح ساخت که دلایل و ضرورت‌های پرداختن به موضوع شورش و شورشگری چیست؟ در مقام پاسخگویی به این سؤالات می‌توان به برخی از روندهای موجود اشاره کرد که الزام مطالعه شورشها را تبیین می‌کنند.

از جمله روندهای قابل مشاهده، گسترش شهرنشینی است. تا دو قرن پیش، ۹۷٪ جمعیت جهان در روستاها زندگی می‌کردند. حتی در اوایل قرن بیستم هنوز افزون بر ۸۶٪ جمعیت جهان بیرون از نواحی شهری زیست می‌کردند. در سال ۱۹۵۰ تنها ۱۷٪ جمعیت جهان شهرنشین بودند. لیکن در شرایط کنونی نیمی از جمعیت جهان در شهرها اقامت دارند (Nichiporuk, 2005). در نمودار ۱ روند گسترش شهرنشینی تا سال ۲۰۲۵ نشان داده شده است.



نمودار شماره ۱. روند شهرنشینی تا سال ۲۰۲۵

رشد شهرنشینی به طور عمده محصول افزایش جمعیت و مهاجرت روستاییان به شهرهاست. شهری شدن سریع و شتابان، مایه تشدید اصطکاکهای اجتماعی و شخصی و مانع همسازی آرام مهاجران روستایی با فرهنگ شهری است. شهرها امکان مقایسه را فراهم و از این رو، فضایی برای افزایش تقاضاها محسوب می‌شود. بی‌ثباتی و شورشهای سیاسی توده‌های محروم شهری، به دلیل افزایش در انتظارات آنها، از ویژگی‌ها و مشکلات عمده ناشی از شهری شدن سریع و مهاجرت روستاییان به شهرهاست. بر اساس نتیجه مطالعات انجام شده، به نسبت هر درصد که نرخ رشد جمعیت افزایش یابد، خطر مناقشه و شورش حدود ۲/۵٪ افزایش خواهد یافت. (Collier, 2000, p.6)

به عقیده دورکیم از شرایط اصلی ایجاد آنومی به عنوان یکی از مبانی مؤثر در بروز شورش، افزایش سریع و شدید حجم و تراکم جمعیت است. نتیجه افزایش جمعیت، بروز تضاد میان مردم عادی، شاغل و گروههای ذی‌نفوذ است. از نظر او، شهرنشینی سریع از دیگر علل آنومی است. در کنار تراکم جمعیت، تراکم اخلاقی نیز دخالت دارد (بشیریه، ۱۳۷۲، ص ۴۹). در واقع؛ آنومی مفهومی است که برای توصیف ماهیت بی‌سازمانی شهرنشینی، در شهرهای بزرگ به کار می‌رود. توسعه سریع وسایل ارتباط جمعی و شبکه ارتباطی، موجب تغییرات سریع در فرهنگ مادی در بین افراد شهرنشین می‌شود. در چنین وضعیتی، شاهد پدیده تأخر فرهنگی خواهیم بود که حکایت از عدم تناسب فرهنگ مادی و غیرمادی دارد. بنابراین، تأخر فرهنگی در کنار تعامل و ارتباط بیشتر افراد، منجر به بروز تضاد هنجارها و ارزشها می‌شود. در ایجاد آنومی، عدم تعادل در ساختار جمعیت نیز مؤثر است. نسبتهای ناهمگون بین شهرنشینان، پیران و جوانان، زنها و مردها و ... از مصادیق بارز چنین عدم تعادلی محسوب می‌شود.

دیگر روندی که باید مورد توجه قرار گیرد، عادی شدن خشونت است. نگاهی به شرایط و اوضاع موجود، به خوبی انسان را به این مطلب رهنمون می‌کند که جنایات،

1. Routinization

تبدیل به پدیده‌ای همه‌جایی^۱ شده‌اند. البته نباید این نکته را از خاطر دور داشت که این پدیده در بین کشورهای جهان سوم سرایت و در برگیرندگی بیشتری دارد. در سطحی کلان‌تر، روندی قابل تشخیص است که دارای پیامدهای بسیار مهم باشد. این روند این گونه قابل تبیین است که با وجود رشد اقتصادی تعداد کمی از دولت‌ها، بیشتر دولت‌های جهان سوم قادر نیستند به سطوح بالایی از رشد اقتصادی دست یابند. این عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و نابهنجاری‌های ساختاری، بنیانهای آشوبگری و شورشگری را پی‌ریزی می‌کنند.

موضوع قابل توجه دیگر، جوان بودن جمعیت در کشورهای در حال توسعه، به مثابه یکی از کانونهای بروز شورش است. پایین بودن میانگین سنی جمعیت، به همان میزان که در بردارنده فرصتهایی بالقوه است، می‌تواند مولد تهدیدهایی نیز باشد. مبانی این تهدیدزایی، برآمده از خصایص روحی و ویژگی‌های روان‌شناختی نسل جوان است. غفلت نسبت به خواسته‌ها و نیازهای نسل جوان می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را باعث شود. حساسیت این ارقام زمانی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم مطابق یافته‌های اکولوژی اجتماعی در خشونت‌های شهری، بالاترین میزان آشوب‌طلبی در گروه سنی ۱۷-۲۱ سال دیده می‌شود.

افزون بر آنچه بیان شد، نباید این موضوع را از نظر دور داشت که امروزه حتی یک شورش ناموفق نیز موجبات تضعیف حکومت را فراهم می‌کند، مانع دستیابی به سرمایه‌های بین‌المللی می‌شود، فرار سرمایه‌ها را تسهیل می‌کند و احتمالاً زمینه‌ساز تغییر سیاستها خواهد شد. پر واضح است این وضعیت در مورد شورشهای موفق، تشدید خواهد شد؛ به این صورت که کمترین پیامد شورشها، ایجاد چالشهای امنیتی و بیشترین آن نیز براندازی نظام است.

1. Omnipresent

۲. چارچوب نظری

۲-۱. تعریف شورش

یکی از ویژگی‌های علوم اجتماعی آن است که به ندرت می‌توان مفهومی را یافت که پیرامون معنای آن بین اندیشمندان اجماع نظر وجود داشته باشد. نگاه به یک اصطلاح از زوایای گوناگون، با رهیافتهای متفاوت و بر اساس پارادایم‌های مختلف، ریشه این تنوع آرا است. البته این موضوع باعث اختلافات فراوانی بین صاحب نظران و مکاتب فکری گوناگون شده است. اندیشمندان مختلفی در مورد تعریف شورش به اظهار نظر پرداخته‌اند. پر واضح است که نمی‌توان در این مجال اندک، تمامی این تعاریف را ارائه داد. بنابر این، در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

سازمان سیا در تعریفی، شورش را این گونه توصیف می‌کند: «شورش یک اقدام نظامی - سیاسی مدت‌داری است که جهت‌گیری آن در راستای کنترل تمام یا بخشی از منابع یک کشور با استفاده از نیروی نظامی نامنظم و سازمانهای سیاسی غیرقانونی می‌باشد» (Central Intelligence Agency, p.2).

تد رابرت گُر^۱، یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران حوزه شورشگری، این تعریف را از شورش ارائه می‌دهد: «تمامی حملاتی که در درون مرزهای یک واحد سیاسی مستقل یا مستعمره به شکل جمعی و غیردولتی متوجه افراد یا مایملک آنها می‌شود، شورش نامیده می‌شود» (Gurr, 1968, p.1104).

از نظر ویلیام لوکاس^۲ شورش عبارت است از: «جنبش سازمان‌یافته‌ای که هدفش سرنگونی حکومت ایجاد شده با استفاده از عملیاتهای خرابکاری و مناقشات نظامی است» (Lucas, 1987, p.187).

بعضی از صاحب‌نظران مانند آندرو اسکات^۳ در تعریف خود از شورش، بر بُعد سیاسی تأکید کرده‌اند. او بر این باور است که شورش: «تلاش یک گروه سازمان‌یافته

-
1. Ted Robert Gurr
 2. William Lucas
 3. Andrew Scott

است که برای نیل به اهداف سیاسی از جنگ طولانی، نامنظم و تکنیکهای سیاسی مربوط استفاده می‌کند» (Scott, 1970, p.5)

پر واضح است که تعدد تعاریف فوق، نشان از دشوار بودن رسیدن به تعریفی جامع و مانع از شورش دارد. با وجود این، به طور کلی و در یک جمع‌بندی، شورش را می‌توان چنین تعریف کرد:

«شورش به مثابه حرکت معمولاً خشونت‌بار جمعی و سازمان‌یافته نیروهای مخالف، تجلی عینی نارضایتی سیاسی - اقتصادی است که هدف از آن، حداقل، اعمال فشار بر حکومت و حداکثر، سرنگونی حکومت موجود است. به عبارت دیگر؛ شورش به معنی طغیان مردم علیه حکومت قانونی است که هنوز تبدیل به یک جنگ داخلی نشده است».

۲-۲. مؤلفه‌های شورشگری از منظر اونیل

در میان صاحب‌نظرانی که به تبیین شورشگری پرداخته‌اند، بارد اونیل^۱ جایگاهی ویژه دارد. او بر آن است که احساسات در شورشگری، کمتر نقش داشته و افراد بر مبنای محاسبات عقلانی و به طور جمعی و سازمان‌یافته در پی اهداف خود هستند.

اونیل در نظریه خود بین مقولات و ویژگی‌های مختلف جنبشهای شورشگری تمایز قائل می‌شود. او با مطالعه فراوان شورشهای مختلف، این تعریف را از شورش ارائه می‌دهد:

شورش مبارزه بین گروههای غیر حاکم و مقامات حاکم است که در آن، گروه نخست به گونه‌ای جدی منابع سیاسی (مهارت‌های سازمانی، تبلیغات و یا تظاهراتها) و ابزارهای خشونت را جهت ایجاد مشروعیت برای برخی از جنبه‌های سیستم سیاسی که به نظر آنها نامشروع است، به کار می‌گیرد. (O'Neill, 1980, p.1)

او عقیده دارد هنگامی که شورشهای رخ داده در طی تاریخ و شورشهای مختلف که

1. Bard O'neill

در زمان کنونی در جهان به وقوع می‌پیوندند، مورد بررسی قرار می‌گیرند، باید به این نکته توجه داشت که آنها در محیط‌های متفاوتی رخ می‌دهند و دارای اهداف، ابزار و راهبردهای مختلفی هستند. این پیچیدگی متغیرهاست که فهم یا پیش‌بینی اقدامات یا موفقیت یک شورش را دشوار می‌کند.

اونیل به منظور ارائه چارچوبی برای فهم بهتر یک شورش به منزله کنشی عقلانی، متغیرهای مؤثر در شورشها را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲-۲-۱. محیط شورش

اونیل، به عنوان یکی از صاحب‌نظران مباحث شورشگری، محیط را به مثابه یکی از متغیرهای مؤثر در تبیین شورشها مورد بحث و تأکید قرار داده است. به عقیده او یک عامل بسیار مهم در ارزیابی تأثیرگذاری شورش، محیط است. محیط، عناصر گوناگونی را در بر می‌گیرد که برخی از آنها عبارتند از: زمین، آب و هوا، شبکه ارتباطی کشور، فرهنگ، اندازه کشور، میزان و توزیع جمعیت.

این عوامل سهم قابل توجهی در انتخاب نوع راهبرد شورشگری دارند. برای مثال، چنانچه اکثر جمعیت یک کشور در روستاها ساکن باشند، نوع شورشگری احتمالاً شورش روستایی خواهد بود. فرهنگ یک کشور نقش مهمی در میزان خشونت اعمالی در شورش دارد. جنگ طولانی - فرسایشی و خلقی در کشوری که دارای جمعیت کمی می‌باشد، بسیار بعید است. خصوصیات زمین کشور هدف، در گزینش راهبرد جنگ چریکی یا جنگ خلقی و فرسایشی اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد.

در بررسی و ارزیابی مؤلفه‌های محیطی باید به این موضوع توجه داشت که بر اساس تجربیات گذشته، به ندرت تمام این عوامل در بروز و تداوم یک شورش با یکدیگر ترکیب شده و نقش آفرینی می‌نمایند. (Ibid, p.16)

۲-۲-۲. رهبری شورش

رهبر شورش به طور معمول از نارضایتی‌های موجود در جامعه برای آغاز حرکت خود استفاده می‌کند. وظیفه عمده رهبری در شورش؛ ایجاد بینش، هدایت، راهنمایی، هماهنگی و انسجام سازمانی در بین افراد سازمان شورش است. رهبر شورش برای موفقیت نیازمند آن است که حمایت توده‌ها را جلب کند. در برخی از شورشها، رهبری بر عهده فردی است که دارای ویژگی کارزماتیک است. در این نوع از رهبری‌ها، افراد به واسطه عشق به رهبر، جذب شورش می‌شوند. در برخی از شورشها نیز رهبری بر عهده گروهی از افراد است. به هر حال، نقش رهبری در شورشها بسیار برجسته و حیاتی است. شخصیت رهبران تا حدی می‌تواند نتیجه شورش را تعیین کند. (Ibid)

۲-۲-۳. ابزارهای شورش

در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان ابزارهای مورد استفاده در شورشها را به ابزارها- فعالیتهای خشونت‌آمیز و غیرخشون تفکیک کرد. مهم‌ترین نمود ابزار- فعالیت غیرخشون، «تبلیغات» است. شورشیان با استفاده از ابزار تبلیغات، افکار عمومی را در سطح ملی و بین‌المللی از راه تبلیغات رسانه‌ای برای کسب حمایت‌های آنان تحت تأثیر قرار می‌دهند. از سوی دیگر آنها قادرند با استفاده از برگزاری میتینگ‌ها، تظاهرات اعتراض‌آمیز و...، حکومت‌های ملی - منطقه‌ای را متأثر سازند.

از دیگر ساز و کارهای غیرخشون که شورشگران از آنها استفاده می‌کنند، «سازمان» است. از طریق سازمان، شورشیان عضوگیری کرده، ضمن ایجاد گروه، به نیروهای خود آموزش می‌دهند.

در کنار این ساز و کارهای غیرخشون می‌توان به ابزار- فعالیتهای خشونت‌آمیزی که در شورشها مورد استفاده قرار می‌گیرند، اشاره کرد. توسل به «عملیات تروریستی» از جمله این ابزارهاست. بمب‌گذاری‌های بدون نقشه یا هدفمند، گروگان‌گیری، هواپیماربایی، خرابکاری و... از مصادیق آشکار اقدامات تروریستی می‌باشند. «جنگ

چریکی» جلوه دیگر اقدامات خشونت‌بار است. در این نوع جنگها، از تروریسم، عملیات جنگ و گریز در مقیاسهای کوچک و ایجاد کمینگاه در مورد اهداف نظامی استفاده می‌شود. «جنگ متعارف» نیز از دیگر ابزارهای مورد استفاده در شورشهاست که در آن از همه نوع عملیات نظامی استفاده می‌شود. (Ibid, P.126)

۲-۲-۴. حمایت مردمی

حمایت مردمی از بارزترین عناصر هر شورش است. نگرش واقع‌بینانه مبین آن است که هیچ شورشی بدون درجاتی از حمایت توده‌ها نمی‌تواند دوام و تداوم داشته باشد. شورشیان بایستی بتوانند از راه جلب این حمایتها، ضعف خود را در برابر توانایی‌های حکومت، نظیر کنترلی که بر اهرمهای قدرت به خصوص نیروهای نظامی و پلیس دارد، جبران کنند. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که چون بیشتر شورشیان نمی‌توانند به طور مستقیم با حکومتها مقابله کنند، بنابر این حضور و مشارکت در شورشها، هزینه‌بر و پرخطر است. لذا شورشیان از طریق به راه انداختن جنگهای چریکی و تروریسم، درصدد هستند توان و اراده حکومت را تحلیل برده تا رژیم فروپاشد یا در برابر شرایط مورد نظر شورشیان تسلیم شود. (Ibid, p.19-21)

اونیل، شش روش مورد استفاده شورشیان را برای جلب حمایت عمومی، چنین برمی‌شمارد:

۱. جذب به وسیله رهبری با ویژگی‌های کاریزماتیک؛
۲. درخواستهای پنهانی؛^۱
۳. درخواستهای آشکار؛^۲
۴. تروریسم؛
۵. عمل تحریک‌آمیز حکومت در مقابله با تروریسم؛^۳
۶. نمایش نیرو.

1. Esoteric Appeals
2. Exoteric Appeals
3. Provocation of Government Counter Terrorism

۱-۲-۴-۲. جذب به وسیله رهبری با ویژگی‌های کارزماتیک

در این شیوه جلب حمایت عمومی، افراد از طریق خود رهبری جذب شورش می‌شوند (Ibid, P.7). در واقع؛ در این روش، شخصیت و خصایص روحی و رفتاری رهبر، عامل تعیین کننده‌ای در گرایش توده به حمایت از شورش و شورشگران است.

۲-۲-۴-۲. درخواستهای پنهانی

اساس کار در این روش آن است که شورشیان، شرایط را به گونه‌ای شفاف برای مردم توضیح می‌دهند و از طریق ایجاد یک بستر ایدئولوژیکی یا نظری، نظمها و پیچیدگی‌های سیاسی را با هم تلفیق می‌کنند. هدف اصلی در این درخواستها، تحریک توده‌ها به اقدام است. باید به این نکته توجه داشت که وجود یک ایدئولوژی که منبع محرومیت و نارضایتی را تعیین می‌کند، ضرورت دارد؛ چرا که اقدام مردم زمانی دارای اثربخشی بیشتری خواهد بود که آنها از منبع سرخوردگی و محرومیت خود آگاه باشند.

۳-۲-۴-۲. درخواستهای آشکار

در این روش، برخلاف شیوه گذشته که تمرکز اولیه‌اش بر ایدئولوژی به مثابه بنیانی برای مشروعیت بخشیدن به شورش است، تمرکز و تأکید ویژه‌ای بر موضوعات دنیوی^۱ و روزمره^۲ که مردم با آنها مواجه هستند، می‌شود. موضوعاتی نظیر نیاز به غذا، آموزش، اصلاحات ارضی، مراقبتهای پزشکی از جمله مباحث مورد تأکید در این روش است. مخاطب اصلی در این شیوه همانند روش پیشین، روشنفکران و افراد عادی هستند. (Ibid, P.8)

در توضیح سه روش دیگر، اونیل این گونه بیان می‌دارد: در حالی که شیوه‌های سه گانه قبلی، مهم‌ترین روشهای جلب حمایت مردم از شورش به شمار می‌آیند، ولی باید توجه داشت که هیچ شورش نمی‌تواند تنها بر این عوامل متکی باشد. در یک شورش باید ظرفیت شورشگران برای استفاده از نیروی نظامی مشخص باشد و شورشیان بتوانند در

1.Mundane
2.Day to day

کنار این امر، با نمایش دادن توانمندی‌ها و نیروی خود، مردم را از قدرتشان برای رسیدن به پیروزی آگاه کنند. واقعیت آن است که سه شیوهٔ تروریسم، (استفاده از) عمل تحریک‌آمیز حکومت در مقابله با تروریسم و نمایش نیرو، در مواقعی مورد استفاده قرار می‌گیرد که سه روش اول، موفقیت‌آمیز به اجرا در نیامده باشند یا نتیجه‌بخش نباشند. هدف اولیه در تروریسم، به نمایش گذاشتن ضعف حکومت در مقابله با توان تروریست‌هاست؛ در حالی که روش تحریک کردن حکومت به مقابله با تروریسم، برای برآورد کردن واکنش حکومت در برابر اقدامات شورشگرایانه است. از این رو، این روش، بیشتر روش اختیاری و دلخواهانه تلقی می‌شود. (Ibid, P.9)

۲-۲-۵. حمایت خارجی

اونیل در میان عوامل مؤثر در شورش، تأکید خاصی بر حمایت‌های خارجی دارد. در بسیاری از کشورها، سرنوشت و فرجام شورشها، تا حد زیادی به میزان و تداوم حمایت‌های افراد، گروه‌ها یا کشورهای خارجی ارتباط دارد. به نظر او حمایت‌های خارجی را می‌توان در چهار نوع تقسیم‌بندی کرد: معنوی؛ سیاسی؛ مادی؛ پناه دادن.

در میان این حمایت‌ها، حمایت‌های معنوی آسان‌تر و راحت‌تر هستند؛ زیرا کم‌هزینه و کم‌خطر می‌باشند. حمایت‌های مذکور می‌تواند ابراز همدردی، اعلام حمایت از هدف مبارزه شورشیان و... باشد. اگر حمایت‌ها از این حد فراتر رود و دولتی، شورشیان را به رسمیت بشناسد و در راستای تحقق اهداف آنها، تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را انجام دهد، جنس این حمایت‌ها سیاسی خواهد بود. توجه به این نکته ضروری است که در برخی از موارد، شورشیان هدف از شورش خود را به گونه‌ای اعلام می‌کنند تا کشورهای خارجی به خصوص همسایگان نیز منفعی در شورش رخ داده داشته باشند.

حمایت‌های مادی شامل دادن پول، تسلیحات، غذا و مشاوره‌های نظامی و نیز آموزش نیروهای شورشی می‌شود. این نوع کمک‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در نتیجهٔ شورشها دارند. از این رو، دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای می‌باشند.

پناه دادن به شورشیان نیز نوعی دیگر از کمکها و حمایتهای کشورهای خارجی از شورشیان است. این کمکها فرصت و مجال کافی برای سازماندهی و بازسازی توان مادی و معنوی را در اختیار شورشیان قرار می‌دهد. حمایتهای مذکور می‌تواند در زمانی که حکومت مرکزی شورشیان را مورد تعقیب قرار می‌دهد، ارائه شود. در میان عوامل پیش‌گفته، حمایتهای مادی و مورد حمایت قرار دادن از طریق پناه دادن، دارای هزینه و خطر فراوان است. (Ibid, p.15-16)

۲-۲-۶. واکنش و پاسخ حکومت

واکنش و پاسخ حکومت به شورشیان، عامل مهم دیگری است که در تعیین نتیجه شورش اهمیت فراوانی دارد. در زمانی که شورش آغاز شد، موفقیت عملیات در وهله اول به میزان قوت و قدرت شورش وابسته نیست، بلکه مهم‌تر از آن، توان و مهارت مسئولان در مدیریت و خاتمه دادن به شورش با استفاده از ابزارهای سیاسی و نظامی است. اجرای راهبرد مقابله با شورشگری نیازمند برنامه است. چنین برنامه‌هایی مستلزم یک سازمان مقابله‌کننده مؤثر و کارآمد است که شامل عملیات جنگ روانی، اقدامات پلیسی گسترده، اقدامات امنیتی پیچیده و فعالیتهای اطلاعاتی برای شناسایی شورشیان و جداسازی آنها از مردم عادی می‌باشد. همچنین باید یک نیروی عمل‌کننده منعطف وجود داشته باشد که از قابلیت انجام عملیات گسترده با استفاده از واحدهای کوچک تا جنگهای سنتی متحرک برای کشتن یا دستگیری شورشیان برخوردار باشد. این نیرو افزون بر آنچه گفته شد، باید از توان لازم جهت تخریب کمپهای شورشیان، دفاع از خطوط ارتباطی خودی، شکست دادن نیروهای متعارف متحرک شورشیان نیز بهره‌مند باشد. توجه به این نکته ضروری است که نه تنها باید این اقدامات به طور جدی پیگیری و انجام شوند، بلکه باید طوری عمل شود تا رابطه مردم و حکومت حفظ شده و منجر به تداوم حمایت مردم و حکومت از اقدامات نیروهای ضد شورش گردد. (Ibid, P.19-21)

۳. راهبردهای ضد شورش

راهبرد ضد شورش، عبارت است از: به کار بردن علم و هنر توسعه و به کار بردن توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و نیروهای مسلح یک حکومت، شامل تمام نیروهای انتظامی، سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی داخلی، به منظور جلوگیری از وقوع شورش یا شکست دادن شورشیان.

ضد شورش تلاش دارد با استفاده از ابزارهای گوناگون، ارتباط شورشگر را با مردم قطع و امکان سرکوب آن را فراهم کند و با جلب حمایت مردم، مقبولیت حکومت را تقویت کند و نیروهای مردمی را برای مقابله با شورش، مورد بهره‌برداری قرار دهد. در ضد شورشگری، بی‌طرفی مردم کافی نیست، بلکه مشارکت فعالانه آنان در امور سیاسی و اجتماعی و حمایت از دولت، به ویژه در شرایط فعال بودن شورش، شرط لازم برای موفقیت ضد شورشگری است. برای ضد شورشگری، مسئله این نیست که چگونه باید منطقه‌ای را پاکسازی کرد، ضد شورش می‌تواند هر موقع بخواهد با متمرکز کردن نیروهای خود در منطقه، آن را از عناصر شورشگر پاکسازی کند. اما مهم‌تر از پاکسازی، حفظ این مناطق است؛ به نحوی که نیروهای دولتی بتوانند آزادانه و با خیال راحت به منطقه دیگر بروند. تحقق این موضوع، فقط با همکاری و بسیج مردم (در این مقاله با تأکید بر نیروهای بسیج با توجه به ویژگی مردمی بودن بسیجیان) ممکن می‌شود. (روحی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۵-۱۴۴)

همان‌گونه که گفته شد، شورش از جمله پدیده‌هایی است که از منظرهای گوناگون می‌توان آن را مورد بحث و بررسی قرار داد. از این رو، نظریه‌های گوناگونی در مورد زمینه‌ها، دلایل و چگونگی ظهور و تکوین یک شورش مطرح شده است. یکی از علل متعدد بودن نظریه‌های شورشگری آن است که شورش، پدیده‌ای زمینه‌وند می‌باشد. به عبارتی؛ در هر جامعه‌ای متناسب با شرایط و مختصات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و جغرافیایی، نوع خاصی از شورش ظهور و بروز می‌یابد. اگر این مطلب را بپذیریم، باید به تعداد شورشها، راهبردهای ضد شورش مطرح کنیم، که چندان منطقی نیست.

از این رو، نگارنده به منظور رسیدن به دیدگاهی مشخص، پس از بررسی و مطالعات گوناگون به این نتیجه رسیده است که چنانچه نگاهی کلان به شورشها داشته باشیم، می‌توانیم آنها را به سه گروه «چی»، «راستی»^۲ و «محلی»^۳ تقسیم کنیم.^۴

با توجه به ماهیت و ویژگی‌های هر یک از سه نوع شورش یاد شده، مقابله با آنها مستلزم یک استراتژی خاص است، که در ادامه به آنها به طور مختصر اشاره می‌شود.

در قبال شورشهای «راستی»، مؤثرترین راهکار، پیگیری توسعه متوازن و بنیادی است. در برابر شورشهای «چی»، بهترین شیوه مقابله، حمله به تشکیلات و خنثی‌سازی سازمان شورش است.

۱. مشخصات شورشهای چپ عبارتند از:
 - رؤیا و تصور یک قیام فوری را از طریق ایجاد یک جرقه انقلابی به وسیله گروههای پیشرو میان توده‌های مردم در یک مبارزه کوتاه‌مدت علیه حکومت دارند.
 - توجه بسیار کمی به گسترش رسمی سازمانهای توده‌ای و ائتلافهای سیاسی با سایر احزاب و گروههای مخالف مبذول می‌گردد.
 - روی توانایی اعمال اقدامات خشونت‌آمیز تکیه می‌کنند.
 - پذیرش سازمانهای توده‌ای به عنوان ضرورت نهایی می‌باشد.
۲. مشخصات شورشهای راست عبارتند از:
 - از سازمانها برای دائمی کردن ناآرامی در جامعه به طور ماهرانه بهره‌برداری می‌کنند.
 - برای بی‌اعتبار کردن حکومت و گسترش نفوذ در میان مردم، از تبلیغات و گاهی اوقات از خرابکاری و تروریسم استفاده می‌کنند.
 - تأکید ویژه‌ای بر فعالیتهای حزبی، گسترش کنترل بر سازمانهای توده‌ای و بهره‌گیری از ائتلاف با سایر احزاب و گروهها دارند.
 - به توسعه و گسترش عوامل و نیروهای مسلح توجه کمتری می‌کنند.
 - در اغلب موارد از رویارویی مسلحانه با نیروهای مسلح حکومت موجود خودداری می‌کنند.
 - نفوذ مخفیانه اعضای حزب شورشی به داخل سازمانهای موجود و به عضویت درآوردن اشخاص مهم، آن‌گاه که حزب شورشی خود را در مقامی می‌یابد که قادر است با حکومت موجود رویارویی کند.
۳. مشخصات شورشهای محلی عبارتند از:
 - این شورشها در بیشتر جوامع، سازمان‌یافته نیستند.
 - در بیشتر مواقع، پس از شروع شورش، گروهی هدایت آن را بر عهده می‌گیرند. (منظور آن است که ابتدا به ساکن فاقد رهبری هستند)
 - معمولاً این شورشها در حالت عادی بیش از چند روز دوام ندارند.
 - هدف این شورشها، ابراز نارضایتی است.
 - این شورشها فاقد ماهیتی ایدئولوژی هستند.
 - دامنه این شورشها هر چند در ابتدا محدود است، ولی این دامنه بستگی به نحوه مواجهه با آن دارد. هر چه مقابله و مهار شورش طولانی شود، احتمال دارد دامنه و گستردگی آن (شورشیان، جغرافیا و اهداف شورش) گسترش یابد.
۴. در برخی منابع، عملیات ضد شورش در سه دسته «عملیات نظامی - غیرنظامی»، «عملیات رزمی» و «عملیات اطلاعاتی» تقسیم‌بندی می‌شوند. (ستاد فرماندهی نیروی زمینی آمریکا، ۱۳۸۵)

در قبال شورشهای «محلی»، بسیج عمومی جمعیت و منابع، راهبرد معقول و تأثیرگذاری خواهد بود.

نگارنده بر این باور است که هر یک از این راهبردهای ضد شورش دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان از آنها برای مهار و کنترل شورشهای داخلی بهره برد. برای مثال، می‌توان از راهبرد ضد شورشهای «راستی» در پیشگیری از وقوع شورش استفاده کرد و از راهبردهای ضد شورشهای «چپی و محلی» برای مقابله با شورشها استفاده کرد. بنابر این، موارد بیان شده در «ملاحظات اساسی در اجرای عملیات ضد شورش»، ترکیبی بوده و برابندی از این راهبردهای کلی ضد شورش است و موارد ارائه شده، یا در سایر راهبردهای ضد شورش مطرح بوده یا برداشت نگارنده از مطالعه دیگر متون و ادبیات موجود در این حوزه می‌باشد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، آن است که به نظر می‌رسد در کشورمان زمینه و محملی برای شورشهای «چپی یا راستی» وجود ندارد. از این رو، در شرایط فرضی اگر شورش رخ دهد، راهکار مقابله با آن، در کنار نیروهای انتظامی - امنیتی، حضور و نقش آفرینی مردم است که به دلیل ماهیت مردمی «بسیج» و وظایف محوله به آن، این نیرو جلودار این حرکت خواهد بود.

۴. شیوه‌های مواجهه با پدیده شورش

۱-۴. انکار

در این شیوه، مفروض اصلی تصمیم‌سازان این است که شورش تنها در جوامع دیگر رخ می‌دهد و جامعه ما از این نوع آسیبها، بری است. این شیوه چندان از نظر علمی قرین صحت نیست؛ زیرا در نظام اندیشگی چنین دولتمردانی، اندیشه استقرار در امنیت مطلق رسوخ کرده که تحقق آن در عالم واقع غیرممکن است. وقوع شورشهایی در جوامع/دولتهای قوی، استدلالی در تأیید این مطلب است.

۴-۲. ناچیز انگاری

وجه تمایز این شیوه با روش پیشین آن است که در اینجا احتمال وقوع شورش پذیرفته شده است. به عبارت دیگر؛ پیش فرض اساسی این شیوه آن است که شورشها به وقوع می‌پیوندند، ولی پیامدهای آنها قابل مدیریت است. آنچه از این مفروض می‌توان درک کرد آن است که حکومت به توان مدیریتی و نیروهای انتظام‌بخش خود، اعتماد بسیاری دارد. بر مبنای چنین اعتمادی، نظام سیاسی در صدد برآورد نوع و قدرت شورشهای احتمالی آینده بر نمی‌آید و از این رو، احتمال غافلگیری در مواجهه با شورشهای گسترده وجود دارد. البته پر واضح است برداشت حکومت از توان تدافعی خود که منوط به میزان تجربه مهار شورش، دسترسی به فن‌آوری‌ها و تجهیزات مدرن و عواملی از این دست است، احتمال دارد با واقعیت سیستم انطباق نداشته باشد.

به عقیده نگارنده، دو روش فوق چندان قابل اعتنا و اتکا نیستند. جدا از تأثیرگذاری عوامل بسیار مهمی نظیر ضعف اقتصادی و توطئه خارجی در وقوع شورشها، میزان همگونگی و یکپارچگی ملی می‌تواند به عنوان مانع مهمی در راستای اجرای شیوه‌های فوق مطرح شود. به عبارت بهتر؛ از آنجا که تنها ۱۰٪ کشورهای جهان به لحاظ جمعیتی از یکپارچگی برخوردار بوده و از جمعیتی با هویت یکسان بهره‌مند هستند، بنابر این می‌توان چنین استنباط کرد که ۹۰٪ دولتهای جهان به نسبت‌های گوناگون، یا درگیر شورشهای اجتماعی هستند یا خواهند شد؛ چرا که از دلایل مهم بروز شورشهای اجتماعی در بسیاری از کشورها، ناهمگونگی قومی - مذهبی است.

۴-۳. آینده پژوهی

به عقیده نگارنده، آینده‌پژوهی روشی معقول جهت مقابله با شورش است. مفروض عمده این شیوه آن است که در آینده احتمالاً جامعه با برخی شورشها مواجه خواهد بود. از این رو، در وهله نخست، درصدد جلوگیری از شورشها بوده و در وهله بعدی، با طراحی سناریوهایی (برای شرایطی فرضی که شورشها در قالب آنها رخ خواهند داد)، نوع، چگونگی، کانون و ... شورشهای مذکور را برآورد کرده و سیاستها و راهبردهای مناسب را طراحی خواهد کرد.

در ادامه، نویسنده با پذیرش شیوه اخیر (آینده‌پژوهی)، در ابتدا خواهد کوشید به ملاحظات اساسی در اجرای عملیات ضد شورش پرداخته و سپس نقش بسیج را در مقابله با شورشهای داخلی تبیین کند.

۵. ملاحظات اساسی در اجرای عملیات ضد شورش

پیش از پرداختن به این ملاحظات، بیان و یادآوری چند نکته ضروری است:

- (۱) پی بردن به ضرورت اعمال تغییر در راهبرد و تاکتیکها، همواره نشانه اشتباه بودن تمامی اجزای راهبرد نیست، بلکه باید به این مقولات از این زاویه نگریست که بیشتر راهکارهای کارآمد و بهینه، نتیجه پیمودن مرحله آزمون و خطا، منطبق کردن آن راهبردها با واقعیات زمانی - مکانی و مقدرات و استفاده از تجربیات گذشته داخلی و خارجی است. ضرورت توجه به این نکته الزامی است که در صورت حذف آزمون و خطا، ریسک سیاسی جایگزین آن خواهد شد.
- (۲) آنچه در این راستا حائز اهمیت می‌باشد آن است که روش انتخابی هر قدر ماهیتی نرم‌افزاری داشته باشد، به همان میزان، مقاومت کمتری در برابر آن شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، نتیجه اجرای آن روش نباید «امنیتی کردن» جامعه باشد. در این رابطه باید به ملاحظات اساسی ذیل توجه داشت:
 - الف) افراد نسبت به اقدامات یا اموری که منع می‌شوند، تحریک می‌گردند.
 - ب) بر خلاف «روند طبیعی» شرایط، نباید وضع قانون کرد؛ چرا که در نهایت ناکام خواهد ماند.
 - ج) تحدید قلمرو اختیار و آزادی به شکل افراطی و غیر منطقی، موگد بی‌اعتمادی اجتماعی، سقوط سرمایه اجتماعی، تولید احساس ناامنی و در نهایت، هرج و مرج طلبی می‌شود.
- (۳) نگرشی تاریخی - تحلیلی به مقوله شورشگری احتمالاً موجب مواجه شدن با وضعیتی متناقض می‌شود. به این معنی که از یک سو واقعیت این است که

شورشیان به طور معمول دارای توان و قدرت کمتری در مقایسه با دولت هستند و از طرف دیگر، تجربیات نشان‌دهنده موفقیت‌های قابل توجهی برای شورشیگران است. شاید بتوان دلیل این وضعیت را با این توضیح تبیین کرد که هر چه اختلاف در میزان قدرت نسبی بیشتر باشد، بازیگر قوی (دولت) کمتر مصمم بوده، دارای منافع - علاقه کمتری برای پیروزی است (زیرا موجودیت خود را در مخاطره احساس نمی‌کند) و در نتیجه، آسیب‌پذیرتر است. در مقابل، بازیگران ضعیف (شورشیان) مصمم‌تر و دارای منافع - علاقه بیشتری برای پیروزی بوده (چرا که حیات و بقای خود را در پیروزی می‌بینند) و در نتیجه، کمتر آسیب‌پذیر خواهند بود. بر اساس این قاعده از برخوردهای نامتقارن، جدی تلقی نکردن شورش می‌تواند پرهزینه و دارای پیامدهایی مهم باشد. (Corum, 2008)

(۴) با عنایت به اینکه بیش از سه چهارم نیاز به پلیس در شهرها و کلان‌شهرها بوده و این واقعیت که یک‌سوم جمعیت شهرهای بزرگ را مهاجران (به طور عمده حاشیه‌نشینان) تشکیل می‌دهند، بنا بر این باید اذعان داشت که شورشها، پدیده‌ای «شهری» شده‌اند؛ لذا باید این مهم را در تدوین راهبرد ضد شورشیگری مد نظر قرار داد.

(۵) در شورش، عدم اطمینان درباره برآورد وضعیت و راهکارهای مهار آن افزایش می‌یابد. از این رو، هر راهبرد و برنامه‌ای در بطن خود در بردارنده حدی از ریسک ایجاد قواعد نارسا و خام است.

پس از بیان این مطالب، در ادامه به ملاحظات اشاره می‌شود که در برخورد با شورشها باید مورد توجه قرار گیرند. گفتنی است مراد از ملاحظات اساسی، به کارگیری تمامی توانایی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و روانی و نیروهای مسلح حکومت بوده که بیشتر متوجه جمعیت (مردم) و شورشیان است.

۱-۵. در رابطه با جمعیت؛ فعالیتهای ذیل باید اجرا شود:

۱-۱-۵. تحدید کردن شرایط مورد استفاده شورشیان

همان گونه که بیان شد، شورش پدیده‌ای خلق‌الساعه نیست. نضج‌گیری و تکوین آن، نیازمند شرایط و عوامل گوناگونی است که برآیند آن به شکل شورش تجلی می‌یابد. نارضایتی (به هر دلیلی) شرط لازم شورشگری است (Metz, 2004, P6). شناسایی علل و ریشه‌های واقعی نارضایتی و اصلاح مناسبات با هدف مرتفع کردن شرایط ناهمگون/ نامناسب، کلید تقلیل نارضایتی است. در غیر این صورت، شورشیان به راحتی از شرایط نامساعد یادشده بیشترین بهره‌برداری را برای همراه و بسیج کردن مردم در راستای اهداف خود خواهند نمود.

۲-۱-۵. برقراری امنیت لازم در مقابل تهدید شورش

در این رابطه نقش نیروهای مردمی حائز اهمیت فراوان است. حضور مؤثر آنها مانع ایجاد فضایی برای شورشیان خواهد شد. امنیت در برابر شورش تنها زمانی ایجاد می‌شود که مردم، نظام و کارگزاران را از خود بدانند. پیوند ناگسستنی مردم به عنوان عمق راهبردی هر نظامی با حکومت، ضامن قوام و دوام سیستم خواهد بود. ارتقای بینش جامعه و دشمن‌شناسی مردم می‌تواند هر گونه توطئه‌ای را خنثی کند.

۳-۱-۵. تعیین اولویتهای اختصاص منابع و واگذاری مأموریتها

مقابله با شورش به مثابه یک مخاطره، مستلزم استفاده بهینه از منابع موجود است. این مهم از طریق برنامه‌ریزی محقق می‌شود. کارآمدی این برنامه‌ریزی، منوط به برآوردی صحیح از شرایط موجود و یک آینده‌نگری واقع‌بینانه است. بر اساس این برنامه‌ریزی و بر مبنای اولویتهای تعیین شده، منابع موجود تخصیص یافته و مأموریت هر بخش مشخص می‌شود. بدون برنامه‌ریزی، نمی‌توان از منابع و فرصتها به گونه‌ای سازمان‌یافته بهره گرفت. از سوی دیگر فقدان برنامه‌ریزی، موجب سردرگمی نیروها و احتمالاً تداخل وظایف و

مأموریتها می‌شود. لازم به یادآوری است اگر به دلایلی نیروهای ضد شورش نتوانند شورش را مبتنی بر برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده مهار کنند، چاره‌ای جز توسل به بسیج عمومی مردم و منابع باقی نمی‌ماند. البته بسیج عمومی مردم و منابع نیز نیازمند برنامه‌ریزی است؛ چرا که بسیج عمومی به دلیل پیچیدگی‌هایش، بدون مهارت و به کارگیری هماهنگ اجزاء، ابزار و شیوه‌های متناسب، عملی نخواهد شد. اراده بسیج عمومی جز در شرایط پیوند دولت و ملت، معطوف به عمل نخواهد شد.

۴-۱-۵. اجرای عملیات روانی

عملیات روانی از جمله ارکان عملیات ضد شورش تلقی می‌شود. ماهیت عملیات روانی به گونه‌ای است که در صورت موفقیت، ضریب موفقیت خودی یا شکست حریف را افزایش می‌دهد. اگر بتوان «جمعیت خودی» را تحت تأثیر عملیات روانی قرار داد، مقاومت آنها در برابر عناصر شورش افزایش یافته، هزینه‌های عملیات ضد شورش کاهش می‌یابد و شورش در حداقل زمان مهار شده و پایان می‌پذیرد.

۲-۵. در رابطه با شورشیان؛ اقدامات ذیل باید اجرا شود:

۱-۲-۵. جداسازی شورشیان از مردم

زمان در راهبردهای ضد شورش، عامل مهمی است. از دست دادن زمان و انجام اقداماتی نابهنگام و با تأخیر، موجب گسترش سریع دامنه شورش می‌شود. بنابر این سرعت عمل، نقش مؤثری دارد. در رابطه با جداسازی فیزیکی و روانی شورشیان از مردم عادی، سرعت عمل بسیار ضروری است. بزرگ‌ترین مزیت این اقدام، تحدید دامنه عملیاتی شورش و ممانعت از تسری گستره شورشیان به سایر گروههای اجتماعی است. افزون بر تفکیک فیزیکی، جدایی روانی نیز باید مورد پیگیری قرار گیرد؛ به این معنی که باید مانع از همفکری و پیوند ذهنی بین شورشیان و افراد عادی شد.

۵-۲-۲. حذف و خنثی‌سازی سازمان و رهبری شورشیان

در برخی از شورشها، رهبری نقش تعیین‌کننده‌ای در هدایت و جهت‌گیری شورش بر عهده دارد. بهترین راه مقابله با این شورشها، از بین بردن رهبران است. در صورتی که انجام این اقدام، ممکن و میسر نباشد یا شورش، بیش از رهبر، مبتنی بر ساز و کارهای تشکیلاتی باشد، راه حل مناسب، از بین بردن مبادی و مجاری ارتباطی بین بخشهای مختلف و انهدام تشکیلات شورش خواهد بود.

۵-۲-۳. انهدام نیروهای تاکتیکی شورش

هر چند مقابله با نیروهای فکری و مهره‌های کلیدی، در راهبرد ضد شورشگری جایگاه ویژه‌ای دارد، ولی از بین بردن (یا دستگیری) نیروهای عملیاتی به عنوان بدنه و عناصر مشهور شورشگری، به لحاظ روانی، اثر بسیار فراوانی در نیروهای خودی و حریف دارد. حذف شورشیان از صحنه درگیری، نشانه موفقیت عملیات ضد شورش است.

۵-۲-۴. اجرای عملیات روانی

به باور برخی صاحب‌نظران نظیر صلاح نصر، شورش حادث نمی‌شود مگر آنکه شایعاتی وجود داشته باشد که آن را برانگیزد، همراهی کند و بر شدتش بیفزاید. (نصر، ۱۳۸۰، ص ۳۲۷) شورشیان پرسشگرانی هستند که می‌توانند همواره سؤالات و خواسته‌های خود را تغییر داده یا شایعات جدیدی را مطرح کنند. همچنین، نیروهای ضد شورش همیشه پاسخگویی هستند که به اجبار باید بر مواضع و جوابهای معینی تأکید کنند. بنابر این؛ حساسیت کار نیروهای ضد شورش مشخص است. از این رو، آنها باید بعد از سنجش ابعاد هر برنامه یا عملیات روانی و ایجاد هماهنگی با سایر برنامه‌های سیاسی و نظامی، مبادرت به اقدام کنند.

پیش‌تر اشاره شد که عملیات روانی مناسب و مؤثر، ضریب موفقیت عملیات ضد شورش را افزایش می‌دهد. با استفاده از روشها و فنون عملیات روانی می‌توان اراده

شورشیان را برای مقابله با نیروهای ضد شورش کاهش داد، آنها را به عناصری فاقد انگیزه / روحیه، تبدیل و شورش را در حداقل زمان مهار کرد و پایان داد؛ زیرا عملیات روانی دارای ظرفیتی است که این حس را به حریف القا می‌کند که اقدام او بسیار پرهزینه و بی‌منفعت (یا دارای حداقل منافع) بوده، نتیجه‌ای جز شکست به همراه نخواهد داشت. عملیات روانی نیروهای ضد شورش که مهم‌ترین هدف آن جداسازی مردم از شورشیان است، می‌تواند در برگیرندهٔ محورهای ذیل باشد:

۱. متقاعد کردن مردم به اینکه رهبران شورش، مزدور و عامل بیگانه هستند؛
۲. دستاوردهای دولت را ترسیم و تبلیغ کنند؛
۳. بر بیهودگی و هزینه‌های فراوان شورش تأکید کنند؛
۴. بر منفعت‌طلبی شخصی رهبران شورش از شورشگری تأکید کنند؛
۵. مردم را به قابل حصول بودن اهداف به راههایی غیر از شورش متقاعد کنند.

۶. نقش بسیج در مهار شورش

همان‌گونه که می‌دانیم، وظیفهٔ مقابله با شورش به مثابهٔ یک آسیب، بحران یا تهدید، در وهلهٔ اول با نیروهای انتظام‌بخش (نیروی انتظامی، امنیتی و پلیس) است. ولی در برخی موارد و به حکم آینده‌نگری، ممکن است شرایط به گونه‌ای شکل بگیرد که مهار شورش، مستلزم دخالت نیروهای بسیج باشد. شورش ۱۸ تیر نمونهٔ بارزی از این مطلب است. در واقع؛ بسیج به عنوان نهادی مکمل و گره‌گشا، در هر عرصه‌ای که نظام اسلامی با مشکل و چالش مواجه شود، می‌تواند به خدمت گرفته شود. بر این مبناست که مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

«... در جنگ هم روحیهٔ بسیجی بود که توانست برای کشور افتخار به بار آورد. هر جا این روحیهٔ بسیجی وارد شد، گره‌ها را باز کرد و بسیج؛ یعنی پیشگام و پیشقراول در همهٔ میدانهای مورد نیاز کشور و نظام اسلامی. هر جا

حضور شجاعانه و فداکارانه و مخلصانه ضرورت پیدا کند، بسیج در خط مقدم

قرار می‌گیرد (بیانات مقام معظم رهبری، مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۲)

بسیج به مثابه تجلی مشارکت مردم در گذار نظام از شرایط و بحرانهای گوناگون، نهادی است که به ابتکار و دوراندیشی عالمانه حضرت امام (ره) تأسیس شد. اهمیت کارکردی این نهاد به ویژه در حوزه مسائل دفاعی - امنیتی، به گونه‌ای است که در اصل ۱۵۱ قانون اساسی تصریح شده که مهم‌ترین دلیل تشکیل ارتش بیست میلیونی دفاع از تمامیت ارضی و مقابله با هر گونه تهدید داخلی و خارجی است. البته در سایر اسناد نظیر اسناد برنامه سوم (ماده ۱۷۵) و چهارم (ماده ۱۱۹) توسعه کشور نیز به وظیفه نیروی بسیج در برقراری و تأمین امنیت ملی اشاره روشنی شده است (ساعد، ۱۳۸۴، ص ۳۳-۱۰). بنابر آنچه بیان شد، می‌توان گفت که نیروی بسیج می‌تواند و باید در فرایند کنترل و مهار شورشها نیز به ایفای نقش پردازد. از جمله کارکردهای امنیتی سخت‌افزارانه بسیج، مشارکت آنها در حفظ نظم و امنیت است. این کار ویژه با همکاری و مشارکت دیگر نیروها در سطح امنیت انتظامی و اجتماعی قابل تبیین است. این نوع عملکردها هر چند دائمی نیستند، ولی به صورت موقتی و مقطعی و در شرایط بحرانی، از مهم‌ترین کارکردهای بسیج به‌شمار می‌آیند. (زمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

در ادامه به مواردی اشاره می‌شود که نیروهای بسیج می‌توانند با استفاده از آنها، ظرفیتهای خود را در مقابله با شورشهای داخلی، اجرایی کنند.

۱-۶. انجام عملیات اطلاعاتی

از جمله اقداماتی که نیروی مقاومت بسیج در زمان شورشها باید انجام دهد، گردآوری اطلاعات است که با انجام عملیات اطلاعاتی به دست می‌آید. این عملیات، شالوده‌ای را برای طرح‌ریزی و اجرای بهتر راهبرد ضد شورشگری فراهم می‌کند (Metz, 2004, P.29). اطلاعات راهبردی و تاکتیکی، هم برای عملیات نظامی و هم عملیات غیرنظامی مفید هستند. کسب اطلاعات از راههای گوناگونی امکان‌پذیر است. یکی از روشهای

متداول و کارآمد، استفاده از عوامل نفوذی است. بسیج می‌تواند با به‌کارگیری ویژگی مردمی خود، در بحرانها و شورشهای داخلی نفوذ کرده، بحران را در مرحله پیش از وقوع، حین وقوع و پس از آن مدیریت کند (زمانی، ۱۳۸۷، ص ۴۶). کاربست این قبیل اطلاعات به دست آمده، نیروهای امنیتی را همواره یک گام جلوتر از شورشیان قرار می‌دهد. وظیفه این نیروها، نفوذ به صفوف شورشیان، جمع‌آوری اطلاعات از میان آنها، اجرای عملیات روانی در میان شورشگران، حداقلی کردن مطالبات و واکنشهای آشوبگران و بعضاً انحراف شورش، شناسایی هسته هدایت‌کننده شورش و... است.

نکته مهم این است که بدانیم اطلاعات بحران^۱ در اغلب موارد، بدون سابقه بوده و در عین اینکه دارای اهمیتی حیاتی هستند، مبهم خواهند بود. حساسیت موضوع، زمانی دوچندان می‌شود که مسئولان مدیریت بحران باید اطلاعاتی با خصوصیات مذکور را «پردازش» نیز بکنند.

در این راستا، بسیج در کنار سازمانهای اطلاعاتی می‌تواند در اجرای مراحل طرح‌ریزی و هدایت، گردآوری و پرورش اخبار و انتشار برخی اطلاعات موجود در رابطه با امور مختلف کشور به منظور آگاهی قبلی از وقوع احتمالی یک شورش، نقش آفرین باشد. اهداف عمده و اصلی عملیات اطلاعاتی عبارتند از:

- (۱) مشخص کردن قراین و شواهد مربوط به شورشهای احتمالی؛
- (۲) کسب خبر و تبدیل آن به اطلاعات در مورد شورشیان و نیز وضعیت مناطق مورد نظر شورشیان برای به اشغال درآوردن؛
- (۳) حداقل سازی فعالیتهای شورشیان در زمینه‌های جاسوسی، خرابکاری و براندازی و اجرای تدابیر حفاظت اطلاعات؛
- (۴) منوط بودن سرعت عمل بسیج به کسب اطلاعات دقیق و صحیح از برنامه‌های شورشیان؛
- (۵) دستیابی به اهداف یادشده نیازمند سیستم اطلاعاتی یکپارچه و متمرکز برای

اجرای مؤثر عملیاتهای اطلاعاتی ضد شورش در سطوح ملی / فروملی است. رسیدن به چنین قابلیتی مستلزم آن است که نیروهای اطلاعاتی بسیج: الف) یک مرکز بایگانی روزآمد، مکانیزه و جامع در مورد اخبار و اطلاعات داشته باشند.

ب) یک سیستم مرکزی کنترل منابع خبر داشته باشند.

ج) اخبار و اطلاعات را برای بهره‌برداری تمامی مسئولان ذیصلاح، هدایت، جمع‌آوری، پرورش و منتشر کنند.

۶-۲. ممانعت از بُعد ایجابی یافتن شورشها

در برخی مواقع، شورشگران بیش از آنکه بدانند چه می‌خواهند، می‌دانند که چه نمی‌خواهند (بُعد سلبی). این وضعیت، شورشیان را فاقد هویت، انسجام و راهبرد خواهد کرد. از این رو، مدیریت آنها کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر صورت می‌گیرد. ولی چنانچه شورشیان یک گام جلوتر گذاشته و بدانند چه می‌خواهند (بُعد ایجابی)، آن گاه مهار شورش دشوارتر خواهد بود. بنابر این، عملکرد و برنامه‌های بسیج باید معطوف به این موضوع باشد که مانع شکل‌گیری خواسته‌های شورشیان شود. مهم‌ترین راهکار در این زمینه، سرعت عمل در برخورد و مدیریت بحران است. بدیهی است این موضوع، تناقضی با هدف داشتن شورشیان نخواهد داشت.

۶-۳. انجام عملیات روانی

با عنایت به اهمیت مقوله جنگ روانی، در ادامه، توضیحاتی در این خصوص ارائه می‌شود. جنگ روانی، جنگ افکار است. جنگی است که در آن از ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، کتب، مجلات، موزیک، پوستر و بروشور^۱ برای رسیدن به اهداف و جلب حمایت وفاداران استفاده می‌شود. به بیان

روشن تر؛ با عنایت به اینکه برگ برنده نیروهای خودی و حریف در یک شورش، جذب قلوب و افکار مردم است، لذا طرفین برای اجرای برنامه‌های خود و نیز تحقق اهداف مورد نظرشان، به شدت نیازمند پشتیبانی مردم هستند. البته گاهی اوقات مخاطب عملیات روانی نه مردم، بلکه نیروهای نظامی هستند.

بنابر این، عملیات روانی که عبارت است از استفاده از داده‌های پنهان و آشکار ذهنی و روانی برای ایجاد رفتار، دیدگاه و ایستاری که تأمین منابع و دسترسی به اهداف (طرف اعمال کننده) را آسان می‌کند، از جمله ابزار و شیوه‌هایی است که می‌تواند از سوی بسیج مورد استفاده قرار گیرد. در عملیات روانی از روشهایی نظیر مهندسی افکار عمومی، انگاره‌سازی، وحشت‌آفرینی، بزرگ‌نمایی اختلافات و... استفاده می‌شود.

به طور کلی مخاطبان عملیات روانی نیروهای بسیجی، سه گروه اصلی «خودی»، «بی‌طرف» و «حریف» می‌باشند. هدف از عملیات روانی در برابر هر یک از این گروهها متفاوت است. برخی از این اهداف به شرح ذیل است.

۶۳-۱. عملیات روانی و نیروهای خودی

هدف اصلی در این نوع عملیات؛ ایجاد، حفظ، تقویت، پشتیبانی و حمایت غیر نظامیان از نظام و راهبرد ضد شورشگری آن است. در رابطه با نظامیان نیز عملیات روانی با تأکید بر حفظ و تقویت روحیه آنها انجام می‌شود؛ زیرا وفاداری و انگیزه این نیروها از عوامل حیاتی در نبرد علیه شورشیان است.

۶۳-۲. عملیات روانی و عناصر بی‌طرف

هدف از عملیات روانی برای افراد بی‌طرف، کسب حمایت آنها از طریق آشکار ساختن فعالیت‌های خرابکارانه شورشیان و وارد آوردن فشار به منظور خنثی کردن تلاشها جهت کسب پشتیبانی برای شورش است. به عبارتی؛ عملیات روانی بر روی عناصر بی‌طرف با هدف جلوگیری از پیوستن آنها به صفوف شورشیان انجام می‌شود.

۳-۶. عملیات روانی و نیروهای حریف

عملیات روانی علیه شورشیان از مهم‌ترین ابعاد عملیات روانی است. هدف از اجرای این عملیات عبارت است از:

- (۱) ایجاد تأثیر کلی بر عقاید، احساسات و رفتار عناصر شورشی؛
- (۲) ایجاد تردید در باور امکان دستیابی به اهداف از طریق ایجاد شورش، به واسطه طرح بدیل‌های دیگر؛
- (۳) ایجاد شکاف و اصطکاک در صفوف عناصر شورشگر؛ (Metz, 2004, P.26)
- (۴) ناچیز ترسیم کردن کارایی راهبردهای تعمیق و گسترش شورش؛
- (۵) کاهش دادن انگیزه‌های جریانات شورشی؛
- (۶) اعتمادسازی و ایجاد حس مساعد در لایه‌های بی‌طرف با هدف ممانعت از پیوستن آنان به جریان شورش؛
- (۷) مشروعیت‌زدایی و تضعیف رابطه رهبری شورش با لایه‌های میانی و حاشیه‌ای آن. از سوی دیگر اشاره شد که شایعه یکی از ابزارهای مورد استفاده شورشیان است. برخی محققان مانند آشبورن^۱ بر این باورند که نیروهای ضد شورش می‌توانند به مقابله با شایعات بپردازند. او برای این منظور می‌گوید: نیروهای ضد شورش باید با نشر سریع و به موقع اطلاعات و اخبار، از ایجاد ابهام که زمینه را برای نشر شایعه فراهم می‌سازد، جلوگیری کنند. همچنین به باور او، باید از جنگ روانی استفاده کنند (الیاسی، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

۴-۶. انهدام سازمان شورش

تلاش نیروهای بسیج برای از بین بردن سازمان شورش می‌تواند راهکارهای متفاوتی داشته باشد. به کارگیری این راهکارها بستگی به نوع شورش دارد. به عبارتی؛ در برخی از شورشها، رهبران، مبنا و اساس شورش هستند ولی در برخی دیگر، شورش از چنان انسجام و توانی برخوردار است که در صورت فقدان آوانگارد اصلی، جنبش می‌تواند

1. Ashbourn

لیدری هم‌سطح فرد قبلی برگزیند. هر چند این شورشها، سازمان / ساختار محور هستند و فقدان رهبر خلل چندانی در آنها ایجاد نمی‌کند. در برابر شورشهای نوع اول، راهبرد بی‌سر کردن^۱ (دستگیری یا نابودی رهبر اصلی) تا حد زیادی کارآمد است. در شورشهای نوع دوم باید به تمام اجزا، ساختار و منابع شورش حمله کرد و با استفاده از نیروهای بسیجی و بسیج امکانات و نیز انجام فعالیتهای اطلاعاتی و حمله نظامی به نیروهای شورشگر، دستگیری رهبران و طراحان شورش، حمله به مراکز پشتیبانی‌کننده شورشیان، به لحاظ امکانات و تجهیزات و ... روحیه آنها را تخریب و شورش را به سوی ضعف سوق داد.

۵-۶. حداقل استفاده از خشونت

برخی اوقات شورشیان تلاش می‌کنند با انجام اقداماتی مانند اعمال خشونت، ترور حیثیتی، بیانیه‌پراکنی، تحصن، آشوب و اغتشاش، مردم را به خیابانها کشانده، حکومت را وادار به واکنش کنند. در صورت موفقیت، شورشیان می‌توانند دولت را خشن و جنگ‌طلب معرفی کرده، خود را صلح‌طلب و آماده مذاکره نشان دهند. این روند در طولانی‌مدت می‌تواند نظر مردم را به سوی شورشیان جلب کند. بنابر این، در مهار یک شورش باید نیروهای بسیج توجه داشته باشند که خشونت: اولاً، خشونت آور است؛ ثانیاً، فضای جامعه را رادیکالی خواهد کرد و ثالثاً، در بردارنده هزینه فراوان است. با عنایت به این مطلب، ضروری است نیروهای بسیجی در مقابله با شورشهای داخلی، جز در مراحل پایانی و پاسخ‌ندادن سایر روشها، از کاربرد خشونت اجتناب ورزند.

۴-۶. استفاده از نیروهای بسیجی آموزش‌دیده برای مقابله با شورشگری

منظور از نیروهای آموزش‌دیده ویژه ضد شورش آن است که چون فضای شورش، حساس است و اقدامات ناشی از بی‌تجربگی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای داشته باشد، بنابر این باید از بین نیروهای بسیجی، گروههایی را برای مقابله با شورش، آموزشهای ویژه داد و از آنها در مقابله با شورشیان بهره گرفت.

واقعیت این است که عناصر شورشگر معمولاً از میانگین سنی پایینی برخوردارند و از این رو، فحاشی و هتاک‌های آنها نسبت به مسئولان یا نیروهای بسیجی چندان بعید نیست. بدیهی است در چنین شرایطی اگر نیروهای بسیجی نیز از تجربه کافی برخوردار نباشند، به راحتی و با اولین توهینهای شورشیان و واکنش سریع و احساسی بسیجیان، موضوع، تبدیل به بحرانی داخلی خواهد شد. افزون بر این موضوع، از دیگر اصولی که باید به نیروهای بسیجی آموزش داده شود این است که باید از تهدید کردن در زمانی که اقتناع کفایت می‌کند، از اعمال زور هنگامی که تهدید کارساز است و از زور بیشتر هنگامی که زور کمتر کافی است، اجتناب کنند. از سوی دیگر، باید توجه بسیجیان را به این نکته معطوف کرد که شورشیان (در بیشتر موارد و جز در شورشهایی که بیگانگان محرک و حامی اصلی شورش هستند) بخشی از شهروندان و افراد این کشور هستند و اقدام آنها اعلام نوعی ناراضی است. بنابر این، برخورد آنها و نیروهای امنیتی باید به گونه‌ای باشد که شورشگران امروز نه تنها جزء شورشیان فردا نباشند، بلکه در نظام نیز جذب و هضم شوند.

۶-۷. جلوگیری از تسری شورش

شورش با اقدام افراد اندکی آغاز می‌شود که به آنها هسته اولیه شورش اطلاق می‌شود. حرکت این گروه هیچ‌گاه با موفقیت همراه نخواهد بود، مگر سایر گروههای اجتماعی نیز به آنها پیوندند. در اغلب موارد، افراد مشارکت‌کننده در شورشهای اجتماعی این گروهها هستند:

(۱) هسته اولیه و اصلی شورش؛

(۲) افراد فرصت‌طلب؛

(۳) افراد ناراضی؛

(۴) افراد بی تفاوت.

از سوی دیگر شورشها نیز در بسیاری از موارد از یک محله یا منطقه خاص آغاز و بنا به علل و دلایلی به سطح شهر یا کشور سرایت می‌یابد (جدی، ۱۳۸۱، ص ۹۷). با عنایت به این مطلب، عناصر کلیدی مدیریت بحران و مهار شورش از سوی بسیجیان عبارتند از:

یک. پیوستن افراد فرصت طلب و بی تفاوت به شورش؛
دو. گسترش شورش به سطح شهر و در مرحله بعد کشور.

از این رو، برای خاتمه سریع شورش، ضروری است نیروهای بسیجی مانع از برقراری تماس میان شورشیان در نقاط مختلف شهر و کشور شده، با سرعت عمل، شورش را از بین ببرند. در رابطه با اهمیت این موضوع خاطر نشان می شود که بسیاری از اندیشمندان بر این باورند که جلوگیری از پیوستن مردم به شورش و به بیانی؛ ممانعت از تسری شورش، همانند اهمیت «محروم کردن ماهی از آب» است. نتیجه آشکار این اقدام، انزوای سریع و شدید شورشگران می باشد (بیلیس و همکاران، ۱۳۶۹، ص ۲۰۰). بی شک مهم ترین لازمه این اقدام، «سرعت عمل» نیروهای بسیجی است.

۶-۸. جلوگیری از دستیابی شورشیان به مراکز حساس

در بیشتر شورشها، عناصر شورشگر تلاش می کنند مراکز حساسی نظیر وزارتخانه ها یا رادیو و تلویزیون را به تصرف خود در بیاورند. این اقدامات، ضربه روانی مهمی بر نیروهای دولتی وارد می کند و در مقابل، اعتبار و پرستیژ قابل ملاحظه ای برای شورشیان به دنبال خواهد داشت. افزون بر این مباحث، دستیابی شورشیان به مراکز نظامی یا بانکهای عمده، می تواند توان نظامی یا مالی شورشیان را افزایش دهد. پس برنامه ریزی و عملکرد نیروهای بسیجی باید به گونه ای باشد که مانع از دستیابی شورشیان به این هدف شود.

۶-۹. حمله به اراده و راهبرد شورشیان

از اقدامات مهمی که بسیجیان باید در دستور کار خود قرار دهند، حمله به اراده و راهبرد شورشیان است. در واقع؛ تزلزل و تضعیف اراده شورشیان، حداقل به اندازه حمله به تجهیزات و افراد شورشی حائز اهمیت است. از سوی دیگر، عقیم گذاردن راهبرد شورشیان و انجام اقداماتی در راستای عدم تحقق راهبرد آنها، از عناصر اصلی راهبرد ضد شورش به شمار می آیند.

۶-۱۰. گرفتن زمان و مکان از شورشیان

همان گونه که بیان شد از عوامل حیاتی شورشگری، زمان است. شورشیان با گرفتن زمان می‌توانند از یک سو حکومت را تضعیف کنند و از سوی دیگر، قدرت خود را افزایش دهند (کایراش، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷). بنابر این، یکی از شروط موفقیت برنامه ضد شورشگری بسیجیان، سرعت عمل بالای نیروهای بسیج است؛ به نحوی که شورشیان فرصت سازماندهی مجدد و رسیدن به اهداف یادشده را نداشته باشند.

در کنار زمان، عامل مکان نیز حائز اهمیت فراوان است (همان، ص ۲۸۸). راهبرد ضد شورشگری باید به گونه‌ای طراحی شود که فضا و مکانی برای حرکت در اختیار شورشیان قرار ندهد. به عبارتی؛ حضور فراوان و با اقتدار نیروهای بسیجی، عملاً مجال تحرک را از شورشیان می‌گیرد. در این راستا، جلوگیری از تمرکز نیروهای شورشی در منطقه‌ای خاص نیز می‌تواند در دستور کار نیروهای بسیج قرار گیرد. راهکار دیگر آن است برخی افراد آموزش دیده بسیج، با نفوذ در بین شورشیان، تلاش کنند که گروهی از شورشیان را به دنبال خود کشانده، از صحنه اصلی شورش خارج کنند.

۶-۱۱. تلاش برای کسب قلوب و اذهان مردم

از مهم‌ترین کلیدهای موفقیت عملیتهای ضد شورشگری، به دست آوردن «قلوب و اذهان» مردم است (Snyder, 2008, P.187). موفقیت بسیج به عنوان یکی از نیروها در مقابله با شورش، در گرو خارج کردن این عامل از دست شورشیان است. اگر بسیجیان بتوانند قلوب و اذهان مردم را در اختیار بگیرند، ضمن آنکه شورشیان را از منابع و حمایت‌های مادی - معنوی مردم محروم می‌کنند، می‌توانند اطاعت لازم را که به منزله عاملی حیاتی در سرکوب شورشیان است، به دست آورند. جلوگیری از اعمال خشونت‌های غیر ضرور، محافظت از مردم عادی در برابر خشونت‌ها، صبر و وقار در برابر هتک حرمت و خشونت‌ورزی‌های شورشیان، کمک و امدادسانی به صدمه‌دیدگان و آگاه‌سازی مردم و... از جمله اقدام‌های مؤثر در این زمینه است.

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقاله اشاره شد نظام جمهوری اسلامی یک نظام مردمی است و به تبع آن، دفاع از انقلاب و کشور، پدیده‌ای «مردمی» می‌باشد. بسیج به عنوان یک شجره طیبه و نهاد برآمده از متن و بطن انقلاب، در هر زمینه که کشور به نقش‌آفرینی آن نیاز داشته باشد، وارد عمل خواهد شد. در مقوله‌ی مقابله با شورش‌های داخلی نیز هر چند مسئولیت اصلی بر عهده نیروهای انتظامی است، ولی چنانچه به دلایلی نظیر کمبود امکانات، گسترش فزاینده شورش و ...، کنترل شورش دشوار شود، آن‌گاه بر اساس وظایفی که قانون اساسی برای بسیج مشخص کرده و همچنین شرح وظایف تعریف‌شده برای بسیج در اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی بسیج برای بازگرداندن ثبات و امنیت و دفاع از کشور، مردم و انقلاب، علیه اخلاص‌گران نظم و امنیت وارد عمل می‌شود. پر واضح است که ورود بسیج در این عرصه در هماهنگی با سایر نیروهای تأمینی و بر اساس فرمان‌های تصمیم‌گیر نظیر ستاد تأمین یا ستاد مدیریت بحران یا فرماندهان نیرو خواهد بود.

شورش به مثابه نوعی ابراز نارضایتی دارای مؤلفه‌ها، دلایل و پیامدهای گوناگونی است. در این مقاله تلاش شد افزون بر بیان اهمیت بحث درباره شورشگری، به برخی ملاحظات اساسی اشاره شود که در طرح‌ریزی دولتمردان برای مقابله با شورش باید در دستورکار قرار گیرد. همچنین بر نقش و جایگاه بی‌بدیل نیروی بسیج در مواجهه با شورشها تأکید شد.

یافته‌های این نوشتار را می‌توان در موارد ذیل بیان کرد:

۱. به دلیل پیامدهای گوناگون و فراوان شورش، باید پیش از مقابله و مهار شورش، در اندیشه پیشگیری از وقوع آن بود. به عبارتی؛ در چارچوب یک تفکر راهبردی باید دانست که امنیت بیش از آنکه برقرار کردنی باشد، حفظ کردنی است.

۲. رویکرد آینده‌نگرانه حکم می‌کند که باید نسبت به وقوع شورشها هوشیار بود تا دچار غافلگیری نشد.

۳. بسیج یکی از بازیگران نقش‌آفرین در مواقع بحرانی و در فرایند مدیریت

بحرانهایی نظیر شورش، باید همواره آمادگی خود را جهت انجام مأموریت‌های محوله حفظ کند.

۴. در مقابله با شورش، سرعت عمل و قاطعیت نیروهای بسیجی، نقش تعیین کننده‌ای دارد.

۵. بسیج باید با ارتقای سطح توانمندی‌های روحی، علمی و تکنیکی خود و داشتن آیین‌نامه‌های متناسب برای برخوردی فعالانه، همواره آمادگی خود را حفظ کند.

۶. بسیج باید تلاش کند خود را به وضعیت «عملکرد هوشمندانه» برساند. به نظر می‌رسد عملکرد هوشمندانه، اوج آمادگی نیروی بسیج باشد؛ چرا که در این وضعیت، هر یک از اجزا و بخشهای مرتبط نیروی بسیج در صورت مواجهه با شورش، به نوع و چگونگی اقداماتی که اجرای آن امور به عهده آنهاست، آگاهی و اشراف کامل خواهند داشت.

۷. نیروهای عمل کننده بسیج باید آگاهی داشته باشند که مهار شورش تنها به صحنه درگیری و متفرق کردن شورشیان محدود نمی‌شود، بلکه این اقدام بسیجیان، تنها بخشی از مدیریت بحران محسوب می‌شود؛ مدیریتی که مسئولیت اصلی آن تبدیل یک اقدام امنیت‌زدا به یک حرکت امنیت‌آفرین است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۲)؛ «عملیات روانی و آشوبهای شهری»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ششم، ش ۱۹-۱۸ (تابستان).
۲. بشیریه، حسین (۱۳۷۲)؛ انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، دانشگاه تهران.
۳. بیانات مقام معظم رهبری.
۴. بیلیس، جان و همکاران (۱۳۶۹)؛ استراتژی معاصر، ترجمه هوشمند میرفخرایی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۵. جدی، مجید (۱۳۸۱)؛ «کنترل اغتشاش»، فصلنامه دفاعی - تاکتیکی، سال اول، ش ۵ (بهار).
۶. روحی، نبی‌اله (۱۳۸۴)؛ «مردمی کردن امنیت در مدیریت بحران؛ بررسی مورد کردستان»، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۵۳-۵۲ (پاییز و زمستان).
۷. زمانی، رضا (۱۳۸۷)؛ «کارکردهای بسیج در امنیت داخلی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، ش ۴۱ (زمستان).
۸. ساعد، نادر (۱۳۸۴)؛ «نقدی بر نقش و کارویژه بسیج در پرتو قانون برنامه چهارم توسعه: کاستی‌ها و راهکارها»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، ش ۲۶.
۹. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)؛ مدیریت منازعات قومی در ایران، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۰. علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۶۸)؛ فرهنگ علوم سیاسی، ج ۲، تهران، ویس.
۱۱. کایراش، جیمز (۱۳۸۲)؛ «تروریسم و جنگهای نامنظم»، استراتژی در جهان معاصر، جان بیلیس و دیگران، ترجمه کابک خیبری، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر.
۱۲. نصر، صلاح (۱۳۸۰)؛ جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت‌کاشانی، تهران، سروش.

13. Central Intelligence Agency, Guide to Analysis of Insurgency, Washington, Central Intelligence Agency.
14. Collier, Paul (2000). Economic Causes of Civil Conflict and their Implications for Policy, (15 June), Available in: www.worldbank.org/research/conflict/papers/civilconflict.pdf.
15. Corum, James (2008). Bad Strategies, New York, Zenith Press.
16. Gurr, Ted Robert (1968). "A Causal Model of Civil Strife: A Comparative Analysis Using New Indices", American Political Science Review (December).
17. Lucas, William (1987). Dictionary of Military and Associated Terms, Washington, US Government Office.
18. Metz, Steven (2004). "Insurgency and Counterinsurgency in the 21st Century: Reconceptualizing Threat and Response", available in: www.SSI.com
19. Nichiporuk, Brian (2005). "Demographics and the Changing National Security Environment", Policy Brief, available in: www.rand.org.
20. O'Neill, Bard (1990). Insurgency & Terrorism, inside Modern Revolutionary warfare, New York, Brassey's.
21. O'Neill, Bard (Ed) (1980). Insurgency in the Modern World, Boulder, Colorado: Westview Press.
22. Scott, Andrew (1970). Insurgency, NC, The University of North Carolina press.